

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی تحلیلی مسیحیت کاتولیک در اسپانیا از آغاز تا قرن پانزدهم میلادی

سید محمدرضا میریوسفی / دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی * abasehosyen@yahoo.com
دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰

چکیده

اسپانیا یکی از کشورهایی است که به‌عنوان مدافع مسیحیت کاتولیک در طول تاریخ شناخته شده است. کاتولیک اسپانیا توانست با به قدرت رساندن پادشاهان مسیحی، قلمرو مسیحیت را در کشورهای مختلف، به‌ویژه آمریکای لاتین، گسترش دهد. ضرورت‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی اقتضا می‌کند که مسیحیت آمریکای لاتین شناخته شود و این شناخت بدون فهم مسیحیت اسپانیا مقدرو نیست. ما در این نوشتار به بررسی ماهیت و ویژگی‌های مسیحیت کاتولیک اسپانیا از آغاز تا دوران فتح آمریکای لاتین در قرن پانزدهم میلادی می‌پردازیم. مسیحیت کاتولیک در این مدت سه دوره را طی کرده است که عبارت‌اند از: آغاز ورود به اسپانیا؛ کاتولیک‌سازی مسیحیت اسپانیا و دوران تثبیت مسیحیت کاتولیکی. مسیحیت کاتولیکی با ماهیتی رومی وارد اسپانیا شد و با مبارزه با مسیحیت آریوسی، در همهٔ مناطق اسپانیا توسعه یافت و در نهایت در قرن پانزدهم میلادی به کمک پادشاهان کاتولیک به یک قدرت بلامنازع مسیحی و دینی در اسپانیا و سطح دنیا تبدیل شد.

کلیدواژه‌ها: مسیحیت، اسپانیا، کاتولیک، کاتولیک رومی.

اسپانیا (Spain) با نام رسمی پادشاهی اسپانیا (Kingdom of Spain) کشوری مستقل و در شبه‌جزیره ایبری در جنوب غربی اروپا قرار دارد. سرزمین اصلی اسپانیا از جنوب و شرق با دریای مدیترانه و جبل‌الطارق، از شمال و شمال شرق با فرانسه، آندورا و خلیج بیسکای و از غرب و شمال غرب با پرتغال و اقیانوس اطلس هم‌مرز است. اسپانیا یکی از کشورهایی است که از همان قرون اولیهٔ میلادی، مسیحیت کاتولیکی را پذیرفت و در طول تاریخ خود به‌عنوان مدافع مسیحیت کاتولیک رومی در خدمت کلیسای روم بوده است. جمعیت قابل توجهی از مردم این کشور، حتی پس از دورهٔ اصلاحات در اروپا، همچنان مسیحی کاتولیک با آداب و رسوم سنتی ویژهٔ خود هستند. در این کشور بیش از هشتصد قدیس وجود دارد که در کلیساهای مختلف این کشور مدفون‌اند و مورد توجه ویژهٔ مردم این منطقه‌اند و در روزهای مختلف سال، جشن‌ها و مراسم‌های زیادی در نقاط مختلف اسپانیا برای این قدیس‌ها برگزار می‌گردد. یکی دیگر از موارد اهمیت کلیسای کاتولیک در اسپانیا، وجود شمار زیادی از دانشگاه‌ها و صومعه‌های فرقه‌های مختلف کاتولیک دومینیکن، فرانسیسکن، ژرئیت و مرساریو در این کشور است. این کشور کاتولیک تا به امروز یکی از مهم‌ترین مراکز آموزش و پرورش مبلغان کاتولیک در جهان به‌شمار می‌آید. مبلغان اسپانیایی توانستند مسیحیت کاتولیک را در مناطق مختلف دنیا توسعه دهند؛ مناطقی مانند چین، ژاپن، فیلیپین، بخش‌هایی از آفریقا و تمام آمریکای لاتین. گسترش مسیحیت کاتولیک در آمریکای لاتین به‌اندازه‌ای بود که حتی امروز بیشتر مردم این قاره کاتولیک‌اند و بیش از نیمی از جمعیت کاتولیک دنیا در آمریکای لاتین زندگی می‌کنند. اشتراک زبان اسپانیایی بین اسپانیا و کشورهای آمریکای لاتین سبب شده است که با گذشت بیش از پنج قرن از حضور اسپانیایی‌ها در این قاره، همچنان اسپانیا به‌عنوان مهم‌ترین مرکز دانشگاهی و مرجع علمی، فرهنگی و دینی برای کشورهای آمریکای لاتین مطرح باشد.

این ارتباط فرهنگی، هنری، سیاسی و مذهبی، به‌ویژه کلیساها، دانشگاه‌ها و انجمن‌های خیریه و فرقه‌های مذهبی بین اسپانیا و کشورهای آمریکای لاتین تا امروز حفظ شده است؛ تاجایی که حتی کلیساهای پروتستان آمریکای لاتین نیز متأثر از کلیساها و گروه‌های پروتستان اسپانیایی‌اند. از آنجاکه فاتحان آمریکای لاتین همگی اهل شبه جزیرهٔ ایبریا و مسیحی کاتولیک بودند، همهٔ مسائل مطرح در کلیسای کاتولیک اسپانیا به‌گونه‌ای در مسیحیت کاتولیک آمریکای لاتین تأثیرگذار بوده است. از سوی دیگر، کلیسای کاتولیک در آمریکای لاتین در طول دوران استعمار (۱۴۹۲ تا ۱۸۵۰م) به‌عنوان یکی از استان‌های کشور اسپانیا و تحت نظر پادشاه و اسقف اعظم اسپانیا اداره می‌شد. ضرورت شناخت مسیحیت آمریکای لاتین به هدف گسترش روابط سیاسی و با هدف تبلیغ اسلام، اقتضا می‌کند که فهم صحیحی از مسیحیت آمریکای لاتین به‌دست آید. برای فهم کلیسای کاتولیک آمریکای لاتین باید تحلیل درستی از خصوصیات کلیسای کاتولیک اسپانیا تا قرن پانزدهم به‌دست آورد. از این‌رو برای شناخت مسیحیت کاتولیک در آمریکای لاتین باید ریشهٔ تاریخی آن، یعنی مسیحیت در اسپانیا را بررسی کنیم. مسیحیت در قرن

پانزدهم توسط فاتحان آمریکای لاتین وارد منطقه آمریکای لاتین شد. بنابراین هدف ما در این نوشتار بررسی این مسئله است که مسیحیت کاتولیکی اسپانیا از آغاز تا قرن پانزدهم چه ویژگی‌هایی داشته است؟ باید توجه داشت که بیشتر منابع دست اول دربارهٔ کلیسای کاتولیک در اسپانیا به زبان اسپانیایی نوشته شده است. بنابراین تلاش شده است که در این تحقیق از منابع اسپانیایی استفاده شود. با توجه به جدیدالعهد بودن زبان اسپانیایی برای عموم محققان ادیان، مطالعات مسیحیت کاتولیک اسپانیا و آمریکای لاتین مورد توجه قرار نگرفته است؛ به همین دلیل، منابع فارسی در این زمینه بسیار محدود است. کتاب‌های زیادی در تاریخ مسیحیت و کلیسای اسپانیا نوشته شده است. از بهترین و جامع‌ترین آنها می‌توان به کتاب ۳۷ جلدی به نام *تاریخ کلیسا اثر فلیش مارتین* و کتاب پنج‌جلدی *تاریخ کلیسا در اسپانیا اثر گارسیا ویروسلادا* ریکاردو اشاره کرد.

روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق، کتابخانه‌ای بوده و با استفاده از اسناد نوشتاری انجام شده است. روش داده‌پردازی اطلاعات نیز توصیفی و تحلیلی است. این نوشتار به بررسی تحلیلی ورود مسیحیت به اسپانیا، ویژگی‌های مسیحیت کاتولیک در دوره‌های مختلف حیات خود، و عوامل مؤثر در گسترش، رشد و تثبیت کلیسای کاتولیک در اسپانیا می‌پردازد.

۱. دورهٔ اول: ورود مسیحیت به اسپانیا (۱م - ۴م)

یکی از مسلمات تاریخی این است که شبه‌جزیرهٔ ایبریا تا قرن چهارم میلادی بخشی از امپراتوری روم بوده و آداب و رسوم و زبان و قوانین رومی در میان ساکنان این منطقه رواج داشته است؛ اما هیچ موضوعی در تاریخ اسپانیا به اندازهٔ منشأ مسیحیت در این سرزمین مبهم نیست. همچنین هیچ موضوعی به اندازهٔ منشأ مسیحیت در اسپانیا به افسانه‌سرای و دروغ‌پردازی آمیخته نشده است. شواهد و اطلاعات صحیح و زیادی دربارهٔ پیشرفت مسیحیت تا قرن دوم در شبه‌جزیرهٔ ایبریا در دست نیست؛ ولی اطلاعات صحیح فراوانی دربارهٔ مسیحیت از قرن چهارم به بعد در اسپانیا وجود دارد. در مسئله مهم منشأ مسیحیت در اسپانیا نظریه‌های زیادی وجود دارد؛ اما نظریه‌هایی که به شدت از آنها دفاع می‌شود، دو نظریه‌اند: یکی دیدگاه نویسندگان مشهوری چون *اوریگن* (Clemente de Roma) (۱۸۸-۹۸م)، *قدیس جروم* (Gerónimo de Estridon) (۳۴۰-۴۲۰م) و *کلمنت رومی* (Orígenes Adamantes) (۱۸۵-۲۵۴م) که به دیدگاه سنتی معروف است (اُجِن، ۲۰۰۰، ص ۳۴، ۳۹). طبق این نظریه، مسیحیت در همان آغاز توسط حواریون و شاگردان حضرت عیسی ﷺ به اسپانیا رسیده است. در مقابل، برخی از پژوهشگران معتقدند که مسیحیت به تدریج در اواخر قرن دوم میلادی توسط مبلغان محلی وارد اسپانیا شده است. این دیدگاه که به دیدگاه علمی معروف است، به دو دیدگاه کوچک‌تر تقسیم می‌شود. برخی از این پژوهشگران از خاستگاه آفریقایی مسیحیت اسپانیا در قرن دوم دفاع می‌کنند و برخی دیگر منشأ آن را شرق و از طریق ایتالیا می‌دانند.

۱-۱. دیدگاه‌های سنتی مردم اسپانیا

در بین پژوهشگران مسیحیت دیدگاه سنتی از اعتبار برخوردار نیست؛ اما دیدگاه سنتی جزو باورهای بیشتر کاتولیک‌های اسپانیا و پرتغال است. در بین دیدگاه‌های سنتی سه دیدگاه مشهور وجود دارد:

۱-۱-۱. یعقوب زبدی (apóstol Santiago el Mayor) نخستین بنیان‌گذار کلیسا در اسپانیا

قدیس/ایسیدورو (Isidoro de Sevilla) (۵۵۶-۶۳۶م) اهل اشیلیبه و *بئاتو دل‌یبانو* (Beato de Liébana) (۷۱۱-۷۹۸م) از قدیسان منطقه کانتابریا (Cordillera Cantábrica) معتقدند که نخستین مبلغ مسیحیت، یعقوب زبدی حواری حضرت عیسی ﷺ بوده است که از منطقه گالیسیا (Galicia.Gallaecia) و استوریاس (Asturias) تبلیغ خود را آغاز کرد و پیام مسیحیت را تا رشته‌کوه‌های کانتابریکا (Cordillera cantábrica) گستراند (ویژوسالدار، ۱۹۳۲، ص ۱۶۷). طبق این دیدگاه، حدود سال چهل میلادی حضرت مریم ﷺ در مکاشفه‌ای بر یعقوب در منطقه *ساراگونا* (محلّی که گمان می‌رود این مکاشفه در آن اتفاق افتاده است، در کلیسای «ستون مقدس مریم مقدس» در شهر ساراگوسا قرار داد) ظاهر شد و همین مکاشفه دلیل ساختن کلیسا توسط یعقوب (کستودیو وگا، ۱۹۶۱، ص ۷۷-۷۸) و حواریانش در این منطقه بوده است (تنها منبع این سنت مسیحی، دست‌نوشتهٔ پاپ بونیفاس هشتم (۱۲۳۵-۱۳۰۳ م) است).

مردم اسپانیا یعقوب زبدی را به‌عنوان ارباب کلیسا می‌شناسند که محافظ ایمان و جان مردم اسپانیا در طول تاریخ بوده است. مسیحیان معتقدند که وی در طول جنگ‌های میان مسیحیان و مسلمانان اندلس، از لشکر مسیحیان حمایت کرده است (انسیرله، ۲۰۰۷، ص ۱۶).

۱-۱-۲. پولس نخستین مبلغ مسیحیت در اسپانیا

در بین مردم منطقه تاراگونا (Tarragona) مشهور است که پولس بین سال‌های ۶۲-۶۳م از طریق روم به اسپانیا سفر داشته است (رواُخ، ۱۹۶۷، ص ۲۳۷-۲۴۷). نه‌تنها هیچ سند تاریخی برای اثبات این دیدگاه وجود ندارد، بلکه برخی از آبای کلیسا، از جمله *سیریل اورشلیم* (San Cirilo dejerusalem)، *ایپیفان* (San Epifanio)، *جروم* (San jerónimo)، *کلمنت رومی* (San Celemente de Roma) سفر پولس به روم را انکار می‌کنند. تنها سند احتمالی سفر وی به اسپانیا، نامهٔ او به رومیان است. پولس در این نامه خبر از سفر خود به اسپانیا می‌دهد و به آماده بودن زمینه پذیرش پیام عیسی ﷺ اشاره می‌کند:

هر گاه به اسپانیا سفر کنم، به نزد شما خواهیم آمد...؛ لکن الان اورشلیم هستم... پس چون این انجام دهم...، از راه شما به اسپانیا خواهیم آمد و می‌دانم وقتی که به نزد شما آییم، در کمال برکت انجیل مسیح خواهیم آمد؛ لکن ای برادران! از شما التماس دارم که... برای من نزد خدا در دعاها جد و جهد کنید... تا برحسب ارادهٔ خدا با خوشی نزد شما برسم و با شما استراحت یابم و خدای سلامتی با همهٔ شما باد. آمین! (نامه پولس به رومیان، بخش ۱۵، فقره ۲۴-۱۳۳).

البته از متن کتاب مقدس نمی‌توان سفر پولس به اسپانیا را اثبات کرد؛ اما به‌طور قطع کلام پولس نشانهٔ ابراز علاقهٔ او به منطقهٔ اسپانیا و مردمانش است و همیشه این ابزار علاقه مورد توجه کشیشان کلیساهای اسپانیا بوده است.

۱-۳. هفت رسول از شاگردان «یعقوب حواری» نخستین مبلغان اسپانیا

طبق این دیدگاه (ریچاردسون، ۱۹۹۸، ص ۲۲۸)، یعقوب زبیدی «هفت نفر از شاگردانش» را که اهل اسپانیا بودند، مأمور تبلیغ در اسپانیا کرد و خود به اورشلیم (Jerusalén) بازگشت. شاگردان او به روم رفتند و از پطرس قدیس (San pedro: Simón) مقام اسقفی را دریافت کردند و مأمور به تبلیغ در هفت نقطه از اسپانیا شدند. دیدگاه هفت حواری، از مسلمات کلیساست و مردم کاتولیک مسیحی به آن تعصب خاصی دارند (ویژوسلادا، ۱۹۷۹، ص ۱۵۷-۱۵۸). بر اساس این دیدگاه، کلیسای اسپانیا به فرمان پطرس حواری توسط شاگردانش بنا نهاده شد (اسکرا، بی‌تا، ص ۷۱).

دیدگاه سنتی، با اینکه در بین مردم مسیحی اسپانیا از اعتبار و قداست برخوردار است، به اعتقاد پژوهشگران معاصر افسانه‌ای است که از طرف برخی نویسندگان اسپانیایی به انگیزه‌های مختلفی مطرح شده است. این انگیزه‌ها را به دو انگیزهٔ مذهبی و سیاسی تقسیم کرده‌اند. انگیزهٔ مذهبی این بوده است که با طرح دیدگاه سنتی، استقلال کلیسای اسپانیا از روم را بیان کنند. انگیزهٔ سیاسی به قرن نهم برمی‌گردد؛ زمانی که جنوب اسپانیا در دست مسلمانان بود و بخش‌های شمالی اسپانیا نیز در معرض تصرف آنان قرار داشت. پادشاه آستوریاس، آلفونس دوم (Alfonso II de Asturias) (۷۶۰-۸۴۲م)، با ساختن زیارتگاه باشکوه بر مزار یعقوب حواری، منطقهٔ «ایریا فلاویا» (Iria Flavia) را مرکز دینی مسیحیان و کانون مبارزه با مسلمانان قرار داد. از همین رو یعقوب حواری را در سنت اسپانیایی «یعقوب مسلم‌کش» یا «ارباب اسپانیا» نام نهادند؛ چون معتقد بودند که او در طول تاریخ، جان و مال مسیحیان را در برابر مسلمانان حفظ کرده است (اندرله، ۲۰۰۷، ص ۱۶). البته با وجود تأکید سنت مسیحی در اسپانیا بر دیدگاه، سنتی سنت قطعی بر اثبات حضور حواریون وجود ندارد. بنابراین ورود مسیحیت به اسپانیا در قرن نخست میلادی اثبات‌شدنی نیست.

۱-۲. دیدگاه علمی دربارهٔ منشأ مسیحیت در اسپانیا

از لحاظ تاریخی این یک امر مسلم است که در آغاز قرن سوم میلادی اسپانیا بخشی از قلمرو امپراتوری روم بوده و طبیعی است که فرهنگ و آداب و رسوم و زبان رومی در این مناطق رواج داشته است. برخی از نویسندگان مسیحی، مانند قدیس ایرئوس لیونی (Ireneo de Lyon) (۱۳۰-۲۰۲م) و ترتولیان (Tertuliano) (۱۶۰-۲۲۰م) در گزارش‌های تاریخی از وجود جوامع کوچک مسیحی خبر داده‌اند (ریچاردسون، بی‌تا، ص ۲۲۸) و معتقدند که فقط جوامع خیلی کوچک مسیحی در اسپانیا وجود داشته است (مونتگرو دوک، ۱۳۸۶، ص ۳۱۴). ترتولیان در مناطق شمالی آفریقا، یعنی تونس، که فاصلهٔ کمی با اسپانیا دارد، فعالیت تبلیغی داشته است. فعالیت‌های تبلیغی ترتولیان

به منطقه تونس محدود نمی‌شد؛ بلکه او و شاگردش برنامه‌های تبلیغی خود را به مناطقی از اسپانیا نیز گسترش دادند (برنت، ۲۰۰۷، ص ۱۷-۲۳). به همین علت، برخی از تاریخ‌شناسان معاصر آغاز تبلیغ مسیحیت در اسپانیا را متأثر از برنامه‌های تبلیغی‌ای می‌دانند که *ترتولیان* و شاگردش *سیپریان* (Tascio Cecilio Cipriano) در جنوب اسپانیا انجام دادند (همان). البته برخی از نویسندگان معاصر در بررسی‌های تاریخی خود معتقدند می‌توان به شواهدی دست یافت که نشان می‌دهد کلیسای روم نیز در مسیحیت‌سازی جوامع کوچک اسپانیا در قرن سوم نقش داشته است.

۱-۳. ویژگی حیات اجتماعی مسیحیت کاتولیک در دوره اول

دوره اول دوره تولد و شکل‌گیری هسته‌های اصلی حیات اجتماعی مسیحیت در اسپانیا است. ویژگی‌های کلی این دوره از حیات مسیحیت را می‌توان در دو ویژگی کلی خلاصه کرد. اولین ویژگی خاص حیات مسیحیت در این دوره، شکل‌گیری هسته‌های اولیه مسیحیت بود که توسط مبلغان کلیسای کاتولیک و شمال آفریقا انجام شد. دومین ویژگی مهم و اساسی حیات مسیحی در این دوره، رسمیت یافتن مسیحیت به‌عنوان دین رسمی اسپانیا بود. با امپراتور شدن *تئودوسیوس* (Theodosius) (۳۴۶-۳۹۵ م) در سال ۳۸۰ م، مسیحیت کاتولیک تثلیثی تنها مذهب رسمی امپراتوری روم اعلام شد. بعد از رسمیت یافتن کاتولیک تثلیثی در روم، فعالیت معابد باستانی و معابد باقی‌مانده از ادیان دیگر ممنوع (گارسیا، ۱۹۷۹، ص ۱۱-۱۲) و معابد بت‌پرستان نابود شد. مسیحیت در اسپانیا نیز از آنجاکه این سرزمین در قلمرو امپراتوری روم قرار داشت، به‌تبع مسیحی شدن روم رسمیت یافت. ترویج و فعالیت اندیشه‌ها و ادیان باستانی در اسپانیا نیز ممنوع شد و در ادامه جنبش مسیحیت‌گرایی اجتماعی، بسیاری از مردم به دین مسیحیت گرویدند.

۲. دوره دوم: کاتولیک‌سازی مسیحیت اسپانیا (۴م-۸م)

در قرن چهارم با به حکومت رسیدن *تئودوسیوس* (theodosius) (۳۴۶-۳۹۵ م) مسیحیت کاتولیک تثلیثی مصوب شورای نیکیه تنها مذهب رسمی امپراتوری روم اعلام شد و فعالیت ادیان باستانی ممنوع گشت و به‌دستور امپراتور همه معابد ادیان باستانی به کلیسای کاتولیک تغییر کاربری دادند. در این زمان فعالیت همه آیین‌های مسیحی دیگر، مانند «آربوسی» و «ماسلونی» (Macedonios) ممنوع گشت و کشیشانی که معتقد به تصویبات شورای نیکیه بودند، برکنار شدند (ویکتو، بی‌تا، ص ۳۴). اسپانیا نیز در قلمرو امپراتوری روم قرار داشت. از همین رو به‌تبع مسیحی شدن روم، مسیحیت در اسپانیا نیز رسمی شد و بسیاری از مردم به دین مسیحیت گرویدند (روبنستین، ۲۰۰۰، ص ۱۳۰). کلیسای کاتولیک اسپانیا در مسیر کاتولیک‌سازی، با گروه‌های مهاجر مسیحی که از نقاط مختلف اروپا به اسپانیا آمده بودند، به‌شدت برخورد کرد و با بدعت خواندن آنها، رهبران و مبلغان این گروه‌ها را مجازات نمود. با منع تبلیغی گروه‌های مسیحی از طرف کلیسای کاتولیک، جنگ‌های شدیدی بین کاتولیک‌ها و مسیحیان غیر کاتولیک

شکل گرفت (هایزل گرث، ۲۰۱۰، ص ۳۰) که در نهایت، مسیحیت کاتولیک توانست با از بین بردن رقیبان خود، اسپانیا را به کلیسای بزرگ مسیحیت کاتولیک تبدیل کند.

۲-۱. ویژگی‌های حیات اجتماعی مسیحیت کاتولیک در دوره دوم

حیات مسیحیت در اسپانیا در دوره دوم به کاتولیک‌سازی مسیحیان و به عبارت دیگر به کاتولیک‌سازی مردم اسپانیا اختصاص دارد. در ادامه به تقسیم‌بندی این ویژگی‌ها پرداخته می‌شود. در ذیل به تقسیم‌بندی این ویژگی‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱-۱. مبارزه با مسیحیت آریوسی و کاتولیک کردن پیروان مسیحیت آریوسی

بعد از رسمی شدن مذهب مسیحیت کاتولیک در روم، امپراتوری تبلیغ و ترویج همه آیین‌های مسیحیت، مانند آیین آریوسی و ماسدونوی و نهضت مسیحی گنوسی پریسیلیانیست (priscilianistas) را ممنوع اعلام کرد و با بدعت‌گذار خواندن آنها مبلغان و رهبران این گروه‌ها را به شدت مجازات نمود. برخی از جوامع غیر کاتولیک به علت ضعف اجتماعی و قدرت نظامی امپراتوری روم تسلیم کلیسای کاتولیک شدند؛ ولی برخی دیگر استقامت کردند و حدود دویست سال مانع کاتولیک شدن کل اسپانیا شدند (ویکتو، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۳-۲۵۴). مهاجرت برخی قبایل آلمانی در سال ۴۰۶م، یعنی قبائل «سوئوس» (Suevos Swbians) و «ویزیگوت» (visigodos) به اسپانیا و استقرار آنها در شمال غرب و سواحل شرقی و جنوبی، بیشترین تأثیر را بر مسیحیت اسپانیا داشته است. قبایل مهاجر آلمانی، مذهب مسیحیت آریوسی داشتند. *اولفیلاس* (Ulifias) روحانی برجسته مسیحی، بعد از سال‌ها مجاهده آیین مسیحیت آریوسی را در میان این اقوام تثبیت کرد (دی ماریان، ۱۷۹۴، ص ۳۴-۳۶). اکثر مسیحیان موجود در اسپانیا کاتولیک رومی و متأثر از تربیت کشیشان و قدرت مرکزی روم و پاپ بودند؛ اما ویزیگوت‌ها بر اساس آموزه‌های اندیشمندی یونانی به نام *آریوس*، به آیین مسیحیت آریوسی گرویده بودند. پیروان این آیین الوهیت عیسی ﷺ را باور نداشتند و برای کشیشان حق وساطت میان خدا و مردم قائل نبودند؛ همچنین برای مریم باکره ﷺ نیز جایگاه ممتازی قائل نبودند (روبنستاین، ۲۰۰۰، ص ۱۳۹). با توجه به آموزه‌های آریوسی‌ها روشن است که ماهیت عقاید آریوسی با ماهیت کلیسای کاتولیک روم تعارض داشت. به همین دلیل، مسیحیت آریوسی از همان آغاز شکل‌گیری کاتولیک در روم، مورد غضب کلیسای کاتولیک بود. با توجه به این ویژگی‌ها، ویزیگوت‌ها ادامه حیات خود را استقلال از امپراتوری روم و جنگ با کاتولیک‌ها می‌دانستند. گوت‌ها سال‌ها با مسیحیت کاتولیکی جنگیدند و با وجود ممنوعیت آیین آریوسی در سال ۳۲۵م از سوی شورای نقیه و تأکید بر غیرقانونی بودن مذهب آریوسی در شورای قسطنطنیه در سال ۳۸۱م، گوت‌ها بر آیین آریوسی باقی ماندند (هایل گریث، ۲۰۱۰، ص ۳). ویزیگوت‌ها در سال ۴۱۰م روم را تسخیر کردند و ضربه سختی بر کاتولیک وارد کردند. سرانجام پادشاه ویزیگوت‌ها پیشنهاد امپراتور روم مبنی بر حکومت بر منطقه حاصلخیز «گل» در جنوب فرانسه و اسپانیا را پذیرفت و در سال ۴۱۵م به

حکمرانان سیاسی و رسمی اسپانیا تبدیل شدند (کالینس، ۲۰۰۴، ص ۱۹-۳۴). از قرن چهارم تا ششم، آریوسی‌ها تلاش زیادی برای گسترش و تثبیت مذهب خود انجام دادند. با استقلال یافتن «ویزیگوت‌ها» از روم در سال ۴۶۷م، رهبر آنان یوریک (euricb) (۴۴۰-۴۸۴م) قلمرو خود را گسترش داد و دامنه حکومت خود را از دورترین بلندی‌های فرانسه تا منتهی‌الیه جنوب اسپانیا و شمال آفریقا کشاند (آرکه، ۲۰۰۷، ص ۱۴۳-۱۴۹). جنگ‌های مذهبی بین کاتولیک و آریوسی‌ها سال‌ها در اسپانیا ادامه داشت (ویستو، ۱۸۶۶، ص ۲۵۳-۲۵۴)؛ اما در نهایت به علت قدرت مذهبی کاتولیک‌ها و تلاش مبلغان مسیحی در بی‌اعتبار نشان دادن مسیحیت آریوسی، پادشاه آریوسی «ریکاردو» در سال ۵۸۵ مذهب کاتولیک را پذیرفت. ویزیگوت‌های کاتولیک، حکومت مرکزی اسپانیا را به اتحاد روم کاتولیک درآوردند و این‌گونه بود که مسیحیت کاتولیک تنها رقیب خود را نیز کاتولیک کرد و قلمرو یکپارچه مسیحی را در سراسر اسپانیا شکل داد (اورلندیس، ۱۹۸۸، ص ۷۸-۸۴).

۲-۱-۲. مقابله کاتولیک‌ها با یهودیان

پس از رسمی شدن کاتولیک در اسپانیا، پیروان ادیان دیگر در معرض سخت‌ترین برخوردها قرار گرفتند. یهودیان اسپانیا نیز از این برخورد بی‌نصیب نماند. در سال ۶۹۶م یهودیان اسپانیا به جرم همکاری با یهودیان شمال آفریقا و توطئه بر ضد حکومت مرکزی محکوم به مصادره اموال و اخراج از اسپانیا شدند. آزادی مذهبی یهودیان سلب شد و فرزندان آنها برای تربیت به خانواده‌های مسیحی سپرده شدند (نعنی، ۱۳۸۰، ص ۲۶).

۳. دوره سوم: تثبیت مسیحیت کاتولیک (۸م-۱۵م)

دوران سوم حیات مسیحیت کاتولیک در اسپانیا مقارن با دوران حکومت مسلمانان بر اسپانیا بود. طارق بن زیاد از اقوام بربر تازه‌مسلمان و یکی از افسران موسی بن نصیر/اموی (۶۴۰-۷۱۶م) فرمانروای آفریقا در سال ۷۱۱م وارد سرزمین اسپانیا شد و در اندک زمانی سراسر اسپانیا را که شامل پرتغال امروزی هم بود، فتح کرد (کالینس، ۱۹۸۹، ص ۱۵۰-۱۶۵). مسلمانان در دوران حکومت سیاسی بر اسپانیا به عقاید عموم مسیحیان احترام می‌گذاشتند. حاکمان اسلامی علاقه‌ای به مسلمان کردن مسیحیان نداشتند. حسین مونس، استاد تاریخ اسلام دانشگاه قاهره و مدیر مطالعات اسلامی مادرید، در این باره می‌گوید:

اصولاً روش عرب‌ها این بود که به هر سرزمینی که وارد می‌شدند - بیشتر، از مردم - می‌خواستند خوبی‌ها و مزایای اسلام را شخصاً تجربه کنند و آنگاه با میل خود این آیین را بپذیرند. اسلام کمتر از پنجاه سال از ورود نخستین گروه مسلمانان از هنگام ورود عبدالرحمن به داخل اندلس چنان رشد کرده بود که در تمام مناطق فتح‌شده مسلمانان حضور داشتند و افراد زیادی به اسلام گرویده بودند (لوبون، ۱۳۸۷، ص ۳۲۹).

فضای باز مذهبی اجازه فعالیت مذهبی برای یهودیان و برخی جوامع مسیحی غیر کاتولیک را فراهم کرد. پس از فتح اندلس، مسیحیانی که در این سرزمین زندگی می‌کردند، «مستعربان» نامیده می‌شدند. مستعربان با حفظ

دیانت کاتولیکی در زمین‌ها و شهرهای خود ماندند و حاکمیت مسلمانان را پذیرفتند. با گذشت زمان، زبان عربی را یاد گرفتند و با فرهنگ و آداب و رسوم مسلمانان آشنا شدند (نعنی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹-۱۹۳). کاتولیک‌ها در حکومت اسلامی فعالیت‌های مذهبی خود در کلیساها مانند مسائل مربوط به ازدواج، میراث، غسل تعمید نوزادان و ثبت عقود و قضاوت را بدون دخالت دولت انجام می‌دادند. کاتولیک‌ها با تأسیس «مجمع اسقفان طلیطله» (Toledo) مرکز رهبری کاتولیک‌ها را به‌وجود آوردند. این مجمع ارتباط بین کاتولیک اسپانیا و کلیسای کاتولیک رومی را قطع کرد. مدیریت اجتماعات مسیحی بر عهده شوراها محلی بود. مسیحیان در مناطق مرکزی در مناصب حکومتی مشغول به کار شدند و برخی از آنها به مناصب بالای حکومتی رسیدند. این همزیستی مسالمت‌آمیز و نزدیک شدن مسیحیان به فرهنگ اسلامی باعث شد که حتی الپاندو (Elipando) اسقف طلیطله، برای نزدیک کردن دیدگاه تثلیثی به توحید اسلامی، دیدگاه فرزندخواندگی عیسی را مطرح کند. این در حالی بود که اسقف‌های مسیحی‌نشین شمال غربی اسپانیا که خارج از قلمرو حکومت اندلس بودند، با اسقف طلیطله مخالفت کردند و در مقابل، از دیدگاه تجسد خدا دفاع نمودند (ریورا رسیا، ۱۹۸۰، ص ۸۹-۱۵۴). در سال ۷۳۲م درگیری‌های داخلی میان مسلمانان عرب بربر سبب ضعف مسلمانان شد و به این ترتیب مسیحیان در مناطق شمالی در «آستوریاس» توانستند هسته‌های مقاومت در برابر مسلمانان را سازمان‌دهی کنند (الوارز، ۱۹۹۲، ص ۵-۳۲). درگیری‌هایی که بین مسلمانان و کاتولیک‌های مناطق شمالی اسپانیا صورت گرفت، سبب شد مستعربان خود را بیگانه از مسلمانان فرض کنند. مناطق شمالی محل تجمع شورشیان کاتولیکی شده بود (نعنی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹-۱۹۳). البته مسلمانان با سیاست صلح‌جویانه و همکاری با مستعربان، شورش‌های کاتولیک‌های شمالی برضد خود را خنثی می‌کردند. نهضت سبّ النبی (همان، ص ۲۱۳)، جنبش عمروبن حفصون (Omar Ben Hafsūn) و نهضت استشهادی قرطبه (mártires de córdoba) از نهضت‌های کاتولیکی موفق بودند که باعث تضعیف حکومت مسلمانان در اسپانیا شد (ویگرا مولیناز، ۱۹۸۸، ص ۸۸-۸۷). با قدرت گرفتن کاتولیک‌های شمال اسپانیا در سال ۱۰۸۶م، طلیطله - مرکز رهبری کلیساها در جنوب اسپانیا - به دست کاتولیک‌های شمالی افتاد. مسیحیان طلیطله تعلق خاطری به سنت مسیحیت کاتولیک رومی نداشتند؛ از همین رو فاتحان کاتولیک شمالی آنها را به پذیرش کلیسای رومی وادار کردند (اچواریا، ۲۰۰۶، ص ۷-۳۰). کاتولیک در اسپانیا به فرمان مستقیم پاپ جنگ‌هایی را برضد مسلمانان شکل دادند که جنگ صلیبی برای بازپس‌گیری اسپانیا نام گرفته بود (فرناندز، ۱۸۵۹، ص ۲۸-۳۳). مهم‌ترین آنها جنگ ناوادی تولوسا در سال ۱۲۱۲م بود. این سلسله جنگ‌ها سه قرن طول کشید. کاتولیک‌های شمالی توانستند به کمک اتحادی که با مسیحیان فرانسه و ایتالیا برقرار کرده بودند، در سال ۱۴۸۲م آخرین پایگاه مسلمانان غرناطه در جنگ گرانادا (غرناطه) را تصرف کنند (پرز، ۱۹۸۸، ص ۳۵-۴۶) و بعد از گذشت یک دهه، در دوم ژانویه ۱۴۹۲م حکومت یکپارچه کاتولیک را در اسپانیا تشکیل دادند (رونسیمان، ۱۹۷۳، ج ۱، ص ۱۱۳).

۱-۳. ویژگی حیات اجتماعی مسیحیت کاتولیک در دوره سوم

کاتولیک اسپانیا در دوره سوم علاوه بر موفقیت در تشکیل حکومت یکپارچه در اسپانیا در سال ۱۴۹۲م و حفظ خصوصیت کاتولیکی رومی خود با چند ویژگی از دوره دوم متمایز می‌شود. در ادامه، مهم‌ترین ویژگی‌ها مورد تجزیه و تحلیل می‌شوند.

۱-۳-۱. حکومت پادشاهان کاتولیک

برای نخستین بار در سال ۱۴۵۵م پاپ کالیکستو سوم (CAIxtó III) از کشور اسپانیا به ریاست کلیسای کاتولیک رسید. پاپ کالیکستو نقش مهمی در تأیید پادشاهان اسپانیا داشت. تأییدیه پاپ، جایگاه و اعتباری دینی به پادشاه می‌داد و انگیزه‌ای قوی برای حمایت و همکاری مسیحیان با آنها در جنگ‌ها ایجاد می‌کرد. کاتولیک‌ها موفق شدند با همکاری پادشاهان، حکومت یکپارچه کاتولیک را در اسپانیا در دوم ژانویه ۱۴۹۲م برپا کنند. پادشاه اسپانیا فرناندو دوم (Fernando II de Aragón)، بعد از فتح گرانادا با نفوذی که در واتیکان داشت، *الخاندرو* (Alejandro) اسپانیایی‌الاصل را به مقام پاپی رساند. پاپ *الخاندرو*، دومین پاپ اسپانیایی کلیسای کاتولیک بود. *الخاندرو* پادشاه را مورد حمایت جدی خود قرار داد و در یک مراسم دینی با تقدیس *فرناندو* و همسرش *ایسابل* (Isabel I)، وی را نخستین پادشاه اسپانیا معرفی کرد (پرز، بی‌تا، ص ۵۶). پادشاهان اسپانیا از جهات مختلفی با دیگر پادشاهان متفاوت بودند که به برخی از مهم‌ترین تفاوت‌ها اشاره می‌شود: الف) پادشاهان خود را از نسل گوت‌ها می‌دانستند که در سال ۴۱۵م پادشاهان رسمی اسپانیا شدند؛ ب) پادشاه و ملکه، خود را از نسل *پلاژو* (Pelayo)، فرماندار ویزیگوت‌ها می‌دانند که در جنگ با مسلمانان با تأیید *باکره کودونگا* (Virgen de Covadonga) توانست بر مسلمانان پیروز شود؛ پس این خاندان مورد تأیید الهی و مقدس‌اند (الوارز، ۱۹۹۲، ص ۵-۳۲)؛ ج) دوره پادشاهان کاتولیک نقطه عطفی در تاریخ اسپانیای کاتولیک بود؛ چون در همین دوران (قرن پانزدهم میلادی) پادشاه کاتولیک با اتحاد مناطق شمالی (آراگون) و مناطق مرکزی اسپانیا (کاستیژا و لئون) و فتح آخرین قلعه مسلمانان در اندلس، برای نخستین بار کشور اسپانیای کنونی شکل گرفت (بروچف، ۲۰۰۳، ص ۸۵). همچنین فتوحات آمریکای لاتین و گسترش پادشاهی اسپانیا تا دورترین نقاط آمریکای جنوبی و مرکزی، از موفقیت‌های پادشاهان در این دوره بود. د) رابطه پادشاهان و کلیسای کاتولیک بسیار گسترده شد. از یک سو پادشاهان وظیفه گسترش و تبلیغ کلیسای کاتولیک و حمایت از آن را بر عهده گرفتند و از سوی دیگر، کلیسای کاتولیک در طول سه قرن از حق شرعی پادشاهان کاتولیک برای حکومت بر اسپانیا و آمریکای لاتین دفاع کرده بود (هیرینگ، ۱۹۴۷، ص ۱۷۹). این حمایت معنوی کلیسا از پادشاهان سبب شد تا سلسله پادشاهان کاتولیک اسپانیا تا قرن‌ها در اسپانیا و آمریکای لاتین ادامه یابد.

۲-۳. تشکیل دادگاه‌های تفتیش عقاید در اسپانیا

پادشاهان کاتولیک و کشیشان به دین حداکثری معتقد بودند (لویس سوارز، ۲۰۰۱). تا قرن نوزدهم و فتح اسپانیا توسط ناپلئون، پادشاه و طبقه روحانیون درباری هیچ گونه نوگرایی و اصلاحات مذهبی را اجازه نمی‌دادند (هیرگا، ۱۵۷۰، ص ۶۷). به همین منظور، دادگاه تفتیش عقاید (گاریسیا کارسل، ۱۹۹۷، ص ۲۷۲) ایجاد کرده بودند تا یهودیان و مسلمانان بومی اسپانیایی را شناسایی و حذف کنند (کاونس، ۲۰۰۳، ص ۲۰-۲۵).

نتیجه‌گیری

با توجه به دوران حیات مسیحیت در اسپانیا از آغاز تا قرن پانزدهم میلادی، این دوران سه‌گانه را می‌توان دوران رشد و شکوفایی مسیحیت کاتولیک رومی دانست. مسیحیت کاتولیک تحت تأثیر عقاید کلیسای روم حیات خود را آغاز کرد و در قرن پانزدهم میلادی به اوج قدرت رسید. به همین علت مسیحیت کاتولیک اسپانیا قرائت‌های دیگر مسیحیت، مانند مسیحیت آریوسی و ماسدونی را نپذیرفت. مسیحیت کاتولیک در برخی زمان‌ها، مانند دوران حکومت مسیحیان آریوسی در بخش‌هایی از اسپانیا و دوران اقتدار کلیسای مستعربان در دوران حکومت مسلمانان در طلیطله، اعلام استقلال کرد و از کلیسای روم جدا شد؛ اما این استقلال‌های مقطعی بر حرکت مسیحیت کاتولیک رومی به سمت رشد و شکوفایی تأثیر چشمگیری نداشت. جالب اینکه حتی مسیحیان غیر کاتولیک یا کاتولیک اسپانیایی نتوانستند کوچک‌ترین تأثیری در اندیشه‌های کاتولیک‌های رومی اسپانیا ایجاد کنند. کاتولیک به علت نگاه حداکثری به دین، ادیان و مذاهب دیگر را باطل شمرد و تبلیغ آنها را ممنوع کرد و حتی در قرن پانزدهم میلادی بعد از تشکیل پادشاهی کاتولیک، در کل اسپانیا دادگاه‌های تفتیش عقاید برپا نمود. به دلیل همین نگاه سلبی بود که ادیان دیگر مثل اسلام، به‌رغم حضور هشتصدساله بر مناطقی از اسپانیا، نتوانستند جایگاه فرهنگی و دینی چشم‌گیری پیدا کنند. مسیحیت کاتولیک به انگیزه نجات خود از دست مسلمانان، پادشاهان مسیحی شمال اسپانیا را تقدیس کردند و آنها را پادشاه تأییدشده از طرف خدا نامیدند. کاتولیک‌ها با تأیید پادشاه عملاً قدرت و سیاست را به دست گرفتند. پادشاهان الطاف کلیسای کاتولیک را بی‌پاسخ نگذاشتند و با ایجاد پشتوانه بزرگ اقتصادی برای کلیسا و حمایت از گروه‌های تبلیغی، راه را برای مسیحی‌سازی جهان‌های دوردست، مانند آمریکای جنوبی و لاتین، باز کردند. کاتولیک‌های اسپانیا با کمک پادشاهان نتوانستند آمریکای مرکزی و جنوبی را تحت نفوذ دین و فرهنگ مسیحیت درآورند. در پایان، تذکر این نکته بسیار اهمیت دارد که پژوهشگر مسیحیت آمریکای لاتین در بررسی‌های تاریخی خود باید به این نکته توجه داشته باشد که مسیحیت اسپانیایی که آمریکای لاتین را فتح کرد، اولاً کاتولیک و ثانیاً مقلد کلیسای روم بود. بنابراین شناخت و ویژگی‌های کلیسای کاتولیک روم برای شناخت مسیحیت در آمریکای لاتین ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

کتاب مقدس، ۱۹۸۶-۱۹۸۸، ترجمه به همت انجمن پخش کتب مقدسه در میان ملل.

لوبون، گوستاو، ۱۳۸۷، *تاریخ تمدن اسلام و عرب*، سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران، دنیای کتاب.
نعنی، عبدالمجید، ۱۳۸۰، *دولت امویان در اندلس*، محمد سپهری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

Álvarez, 1992, *Arcadio del Castillo & Montenegro Valentín*, Julia, Don Pelayo y los orígenes de la reconquista, Revista Española de Historia, España, Madrid.

Andarle, Adam, 2007, *Hungría y España*, Relaciones milenarias, Hungría, Szeged: Szegyetemi Kiado'.

Arce, Javier, 2007, *barbarous y romanos en Hispania*, España, Madrid: Marcial Pons.

Ayen, Juan José ´, 2000, *padres apostólicos*, España, Barcelona. Biblioteca de patristica.

Boruchoff, David, 2003, *Isabel la Cataólica*, Queen of Castile U.S.A. New York, Palgrave Macrimillan.

Brent, Allen, 2007, *and On the Church: Select Treatises*, st. Cyprian of Catrthage, New York, ST Vladimir's seminary press and Bookstore.

Collins, Roger, 1989, *the árabe conquest of Spain, 710_797*, New York, Oxford university press, Blackwell publishers.

_____, 2004, *visigothic Spain 409_711*, United Kingdom, Hong Kong, Oxford. Blackwell publishing.

Costodio Vega, Ángel, 1961, *España Sagrada*, Vol. LIII Y LIV, España, Madrid: Real cadena de la historia.

Cowans, Jon, 2003, *Early modern Spain's documentary histogram*, S, Pennsylvania University of Pennsylvania press.

De Marian, Juan, 1794, *Historia general de España*, Editor Benito Cano, España, Madrid: universidad Complutense de Madrid.

Echevarría, Ana, 2006, *La mayoría mudéjar en león y Castilla: legislación real y distribución de la población _siglo XI_XIII_España Medieval*.

Ezquera, Jaime Alvar & Álvarez López, Ana Isabel, *Diccionario de Historio de España*, Madrid: Editorial Istmo.

Fernández Llamazares/José´, 1859, *Historia de la bula de la santa Cruzada*, España, madris universidad de cuplutense de Madrid: Editor Impr. de Eusebio Aguado.

García Cárcel, Ricardo, 1997, *la leyenda negra*, España, Barcelona: Altaya.

- García, Rubén, 1979, *Dios y el Cesar*, Relaciones Iglesia Estado en los primeros siglos de la Iglesia 313_330, *Argentina*, buenos Aires: Editora patria Grande.
- Haring, Clarence, 1947, *Henry, and Spanish Empire in America*, and New York, Oxford university press.
- Hislgarth, J.N, 2010, *the Visigoths in history and Legend*, Belgium, Turnhout: Brepols publishers.
- Huerga, Álvaro, *Historio de los Alumbrados 1570_1630*, España,
- Montenegro Duque, 1386, *Angelm España Romana*, España Gredos, Editorial ilustrada.
- Orlandis, José', 1988, *Historia del reino visigodo español*, España, Madrid: Rialp.
- Pérez, Joseph, 1988, *Isabel y Fernando los Reyes Católicos*, España, Madrid: editorial Nerea.
- Reyes Católicos: Luis Suárez Fernández, 2001, *La dovtrina del máximo religioso*, en la oficial de la comisión para la causa de canonización de la reina Isabel la católica.
- Rivera Recia, Juan Francisco, 1980, *El adopcionismo em yn España siglo VIII: historia y doctrina*, España, Madrid: Editor i.T. san ldefonso.
- Rougé', j. 1998, *Le voyage de saint en occidente en: "Cahiers de historié"*, France, Lyon: Cahiers d historias, Richardson, John S. *Historiada España II*, Translatd by Teo'filo de Lozoya, España, Barcelona: Editorial.
- Rubenstein, 2000, *Richard When Jesus became God: the struggle to Define Christianity during the Last Days of Rome*, New York, publisher Harvest.
- Runciman, Steven, 1973, *Historia de las cruzadas*, España, madrid: Alinza Editorial.
- Vicetto, Benito, 1866, *Historia de Galicia, España*, Madrid: Biblioteca de Ateneo de Barcelona, Nicasio TaxoneRA.
- Vicetto, benitom, 1866, *Historia se Galicia*, España, Madrid: Biblioteca del Ateneo de Barcelona, Nicasio Taxonera.
- viguera Molinas, María Jesús, 1988, *Aragón musulmán*, España, Zaragoza: Mira editores.
- Villoslada, Ricardo Garcia, 1932, *los orígenes históricos del cristianismo*, Lección XVII: La difusión del cristianismo fuera del palestina, Historia Eclesiástica de España, Madrid: BAC.
- Villoslada, Ricardo Gracia & ASotomayor, 1979, *Manuel, historia de Iglesia en España*, la universidad de california, Editorial Católica.